Education and Exploration in Learning, Behavior and Cognition *Open Access*

Summer (2026) 2(2), (47-56)
https://doi.org/10.30473/elc.2026.79488.1034

ORIGINAL ARTICLE

Fear of Making Mistakes in the Classroom: An Exploration of Primary Students' Lived Experience

Melika Eskandari

PhD Student of Curriculum Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Correspondence:
Melika Eskandari
Email: melika.eskandari@khu.ac.ir

Received: 14/Mar/2026
Revised: 27/Apr/2026
Accepted: 31/May/2026
Published: 22/Jun/2026

How to cite
Eskandari, M. (2026). Fear of Making Mistakes in the Classroom: An Exploration of Primary Students' Lived Experience. *Education and Exploration in Learning, Behavior and Cognition*, 2 (2), 47-56. (https://doi.org/10.30473/elc.2026.79488.1034)

ABSTRACT

Fear of making mistakes is one of the fundamental challenges in educational environments, which can disrupt students' learning processes and participation; however, the dimensions of this experience have received limited attention from students' own perspectives. The present study aimed to explore the lived experiences of primary school students regarding fear of making mistakes in the classroom. A qualitative phenomenological approach was employed. The participants were 10 female fifth- and sixth-grade primary school students from Abyek County, Qazvin Province, during the 2025-2026 academic year, selected through criterion-based purposive sampling. Data were collected through in-depth semi-structured interviews and analyzed using Colaizzi's seven-step method. The findings resulted in the identification of seven major themes: intense physical and emotional experiences, social judgment, the teacher's role, performance-exposing situations, the multilayered meaning of mistakes, silence and avoidance, and a safe environment. The results showed that fear of making mistakes was a multidimensional experience associated not only with physical and emotional reactions but also with concerns about others' judgments, teachers' responses, and situations in which students' performance was exposed to others, and in some cases led to silence and avoidance of participation. In contrast, a safe and supportive environment and a positive attitude toward mistakes facilitated their acceptance as part of the learning process. Students' experiences indicated that the meaning attributed to mistakes was largely shaped by how they were addressed in the classroom and could transform mistakes from a threatening experience into an opportunity for learning.

KEYWORDS

Lived Experience, Fear of Making Mistakes, Primary School Students, Classroom.

Copyright © 2026 The Authors. Published by Payame Noor University.
This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited.

آموزش و کاوش در یادگیری، رفتار و شناخت

سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵ (۴۷-۵۶)
https://doi.org/10.30473/elc.2026.79488.1034

«مقاله پژوهشی»

ترس از اشتباه کردن در کلاس درس: کاوشی بر تجربه زیسته دانش‌آموزان ابتدایی

ملیکا اسکندری

دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

نویسنده مسئول:
ملیکا اسکندری
رایانامه: melika.eskandari@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

استناد به این مقاله:
اسکندری، ملیکا. (۱۴۰۵). ترس از اشتباه کردن در کلاس درس: کاوشی بر تجربه زیسته دانش‌آموزان ابتدایی. *آموزش و کاوش در یادگیری، رفتار و شناخت*، ۲(۲)، ۴۷-۵۶.
(https://doi.org/10.30473/elc.2026.79488.1034)

چکیده

ترس از اشتباه‌کردن یکی از چالش‌های بنیادین در محیط‌های آموزشی است که می‌تواند روند یادگیری و مشارکت دانش‌آموزان را با اختلال مواجه کند اما ابعاد این تجربه از دیدگاه خود دانش‌آموزان کمتر موردتوجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی تجربه زیسته دانش‌آموزان دوره ابتدایی درباره ترس از اشتباه‌کردن در کلاس درس انجام شد. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام گرفت. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۰ دانش‌آموز دختر پایه‌های پنجم و ششم دوره ابتدایی شهرستان آبیک، استان قزوین در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر ملاک انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از روش هفت مرحله‌ای کلایزی تحلیل شدند. یافته‌ها به شناسایی هفت مضمون اصلی شامل تجربه جسمانی و هیجانی شدید، قضاوت اجتماعی، نقش معلم، موقعیت‌های آشکارکننده عملکرد، معنای چندلایه اشتباه، سکوت و اجتناب و محیط امن انجامید. نتایج نشان داد که ترس از اشتباه تجربه‌ای چندبعدی است که علاوه‌بر واکنش‌های جسمانی و هیجانی، با نگرانی از قضاوت دیگران، واکنش معلم و موقعیت‌های آشکارکننده عملکرد دانش‌آموز مرتبط بوده و در برخی موارد به سکوت و اجتناب از مشارکت منجر می‌شد. در مقابل، محیط امن و حمایتگر و نگرش مثبت نسبت به اشتباه، زمینه پذیرش آن به‌عنوان بخشی از فرایند یادگیری را فراهم می‌ساخت. تجربه دانش‌آموزان نشان داد که معنای اشتباه تاحدزیادی تحت‌تأثیر نحوه مواجهه با آن در کلاس شکل می‌گیرد و می‌تواند از یک تجربه تهدیدکننده به فرصتی برای یادگیری مبدل گردد.

واژه‌های کلیدی

تجربه زیسته، ترس از اشتباه‌کردن، دانش‌آموزان دوره ابتدایی، کلاس درس.

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. ۱۴۰۵ ©. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.
این مقاله تحت گواهی زیر منتشرشده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.
Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

مقدمه

ترس یکی از هیجانات بنیادین انسان است که به‌عنوان یک حالت ذهنی و پاسخی غریزی در برابر خطر و ناشی از نیاز به حفظ و صیانت از خود در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، می‌توان ترس را به‌عنوان احساس ناخوشایندی تعریف کرد که افراد در مواجهه با عوامل یا شرایط خاص تجربه می‌کنند. البته تجربه ترس موضوعی جدید نیست و از دوران پیشاتاریخ همواره بخشی از زندگی انسان بوده است؛ برای مثال، انسان‌ها از دیرباز از پدیده‌های طبیعی، جنگ‌ها، سلامتی عزیزانشان، آینده و... هراس داشته‌اند. اگرچه ترس برای بقا و تداوم حیات انسان ضروری بوده و هست، اما می‌تواند اشکالی به خود بگیرد که مانع رشد و پیشرفت یادگیرندگان شود؛ در حوزه آموزش و یادگیری نیز یکی از جلوه‌های چنین ترسی، ترس از اشتباه کردن[1] است (مرا و دوس سانتوس[2]، ۲۰۲۵).

ترس از اشتباه‌کردن یکی از پایدارترین موانع روان‌شناختی در فرایند یادگیری است که اغلب به اضطراب هنگام صحبت‌کردن و رفتارهای اجتنابی می‌انجامد (فادیله[3] و همکاران، ۲۰۲۵). با توجه به اینکه ترس از اشتباه‌کردن مستقیماً به تجربه یادگیرنده از «اشتباه» مربوط می‌شود، فهم این تجربه مستلزم روشن‌شدن مفهوم اشتباه و جایگاه آن در فرایند یادگیری است. اشتباهات[4]، به رفتارها یا پاسخ‌هایی در یک تکلیف یادگیری اشاره دارند که با انتظارات ذهنی یادگیرنده یا استانداردهای ارائه‌شده توسط یک مرجع عینی، تفاوت داشته باشند (کیانگ[5] و همکاران، ۲۰۲۵).

دیدگاه سنتی بر این باور است که اشتباهات رویدادهایی نامطلوب در فرایند یادگیری هستند و باید تاحدامکان از وقوع آن‌ها جلوگیری کرد. در واقع، ارتکاب اشتباه در ارزیابی‌ها و سایر موقعیت‌های حساس و حائزاهمیت، اغلب پیامدهای نامطلوبی به‌همراه دارد که همین امر موجب می‌شود انسان‌ها نسبت به انجام اشتباه نوعی بیزاری و اجتناب داشته باشند. با این‌حال، این نگاه منفی به اشتباه، تنها یک سوی ماجراست؛ زیرا اشتباهات می‌توانند در شرایطی به فرصت‌هایی ارزشمند برای یادگیری مبدل گردند (پان[6] و همکاران، ۲۰۲۰). حتی عبارت «بهترین معلم تو، آخرین اشتباه توست» که در فرهنگ‌های مختلف به‌کار می‌رود نیز مؤید همین دیدگاه است که یادگیرندگان می‌توانند از اشتباهات خود بیاموزند؛ دیدگاهی که در آن، اشتباهات به‌عنوان بخشی اجتناب‌ناپذیر از زندگی انسان در نظر گرفته می‌شوند که می‌توان از آن‌ها برای بهبود مهارت‌ها و دانش بهره گرفت (سونسینی[7] و همکاران، ۲۰۲۱).

اشتباهات در فرایند یادگیری کارکردهای مهمی دارند؛ زیرا به شکل‌گیری مدل‌های ذهنی دقیق و صحیح کمک می‌کنند و از این طریق، پیشرفت یادگیری را تسهیل می‌نمایند. اشتباهات، همچنین در کسب دانش منفی نقش اساسی دارند؛ یعنی دانشی درباره اینکه چه چیزی کارآمد نیست و چه چیزی صحت یا واقعیت ندارد، که به نوبه خود می‌تواند تأثیرات مثبتی بر عملکرد داشته باشد (درسل[8] و همکاران، ۲۰۲۵).

با این وجود، وقوع اشتباه به‌تنهایی به معنای یادگیری از آن نیست. برای یادگیری از اشتباهات، یادگیرندگان باید اطلاعات را در چندین سطح پردازش کنند و رفتار خود را در سطوح مختلف شناختی، فراشناختی، انگیزشی، هیجانی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی تنظیم نمایند (نارسیس و آلمداگ[9]، ۲۰۲۵). از این منظر، تنظیم مؤثر هیجان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه نقشی اساسی در سلامت روان، کیفیت روابط اجتماعی و عملکرد تحصیلی و شغلی افراد دارد (جدیدی محمدآبادی و فردوسی، ۱۴۰۴). بنابراین، در کنار خود اشتباه، شرایطی که اشتباه در آن رخ می‌دهد و نحوه مواجهه با آن نیز اهمیت می‌یابد .یکی از مفاهیم کمک‌کننده برای تبیین این شرایط، «جوّ خطا[10]» است که می‌توان آن را به‌عنوان نحوه ادراک، ارزیابی و استفاده از اشتباهات به‌مثابه عناصری جدایی‌ناپذیر از فرایند یادگیری در بستر اجتماعی کلاس درس تعریف کرد. این امر، در درجه نخست تحت تأثیر رفتار معلم، به‌ویژه حمایت معلم پس از وقوع اشتباه شکل می‌گیرد؛ با این‌حال، رفتار همکلاسی‌ها در موقعیت‌های مرتبط با اشتباه نیز بر آن تأثیرگذار است (درسل و همکاران، ۲۰۲۵). همچنین، هنجارها، ارزش‌ها و طرز تلقی‌های شکل‌گرفته در بستر روابط اجتماعی مدرسه و

1. Fear of making mistakes
2. Mera & Dos Santos
3. Fadillah
۴. در ادبیات پژوهش، دو اصطلاح Error و Mistake متناسب با حوزه مطالعاتی و چارچوب نظری نویسندگان، گاه با تمایز مفهومی و گاه به‌صورت نزدیک به هم به‌کار رفته‌اند. در ترجمه منابع این پژوهش، با توجه به بافت هر منبع، هر دو اصطلاح در مواردی با عنوان کلی «اشتباه» برگردانده شده‌اند. بنابراین، «اشتباه» در این مقاله یک معادل کاربردی و فراگیر برای اشاره به این پدیده است و به‌معنای نادیده‌گرفتن تمایزهای نظری میان Error و Mistake نیست. بااین‌حال، در عنوان و متن پژوهش حاضر، هنگامی‌که از «ترس از اشتباه‌کردن» سخن گفته می‌شود، منظور مشخصاً مفهوم Fear of Making Mistakes است.
5. Qiang
6. Pan
7 .Soncini
8. Dresel
9. Narciss & Alemdag
10. Error Climate

کلاس درس نیز می‌توانند به‌صورت ضمنی بر رفتار دانش‌آموزان تأثیر بگذارند؛ تعامل معلم و دانش‌آموز، جو عاطفی کلاس و قضاوت‌های معلمان ازجمله عوامل مؤثر در این زمینه‌اند (دارابی عمارتی و همکاران، ۱۴۰۴).

این جوّ می‌تواند مثبت یا منفی باشد و همین تفاوت، نحوه مواجهه دانش‌آموزان با اشتباه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در کلاس‌هایی که از جوّ خطای مثبت برخوردارند، معلمان با صبر و حمایت به اشتباهات واکنش نشان می‌دهند و دانش‌آموزان را به تحلیل علت اشتباه و گفتگو درباره برداشت‌های نادرست زیربنایی هدایت می‌کنند. در مقابل، در جوّ خطای منفی، اشتباهات به‌عنوان عناصری مختل‌کننده تلقی می‌گردند که باید از آن‌ها اجتناب کرد (استوئر[1] و همکاران، ۲۰۲۵).

از همین‌رو است که اهمیت نگرش نسبت به اشتباه، نحوه مواجهه با آن و پیامدهایی که بر تجربه و فرایند یادگیری دانش‌آموزان برجای می‌گذارد، در پژوهش‌های متعددی موردتوجه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، لیتون[2] و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی با هدف بررسی نگرش دانشجویان کارشناسی نسبت به اشتباهات در یادگیری و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی، نشان دادند که اعتماد دانشجویان به استاد با اهداف پیشرفت و اهداف پیشرفت با نگرش آنان نسبت به اشتباهات ارتباط دارد. همچنین، گشودگی نسبت به گفتگو درباره اشتباهات، ادراک بازخورد و رفتارهای نگرشی نسبت به اشتباهات، پیشرفت تحصیلی دانشجویان را پیش‌بینی کردند. در همین راستا، کیفر[3] و همکاران (۲۰۱۹)، نیز شان دادند که نگرش معلم نسبت به اشتباهات، واکنش وی به اشتباهات دانش‌آموزان و ادراک دانش‌آموزان از اشتباهات به‌عنوان ابزاری سودمند برای یادگیری با پیشرفت و انگیزش آنان ارتباط دارند.

با گسترش توجه به فرایند یادگیری از اشتباه، سومانتری[4] و همکاران (۲۰۲۵)، در پژوهشی درباره به‌کارگیری رویکرد «یادگیری از اشتباه[5]» در آموزش تاریخ، نشان دادند که اگرچه بسیاری از دانش‌آموزان اشتباهات را فرصتی برای یادگیری می‌دانستند، ترس از توبیخ و دریافت نمره پایین همچنان مانعی مهم برای آنان بود. با این حال، دانش‌آموزانی که بازخورد سازنده از معلم دریافت می‌کردند، بیشتر به راهبردهای یادگیری تأملی گرایش داشتند. در همین زمینه، دی‌کارلو و کوهن[6] (۲۰۲۵)، با تمرکز بر فرایند یادگیری از اشتباهات، چارچوب مفهومی «سواد اشتباه[7]» را مطرح کردند که ظرفیت و توانایی دانش‌آموزان برای تشخیص، واکنش و اصلاح اشتباهات خود را در برمی‌گیرد و یادگیری از اشتباه را فرایندی متوالی و بازگشتی معرفی می‌کند که با افزایش تجربه دانش‌آموزان، دسترس‌پذیرتر می‌گردد. همچنین، آلتایلار و ییلماز[8] (۲۰۲۵)، در بررسی نحوه مواجهه دانش‌آموزان پایه هشتم با اشتباهات در یادگیری ریاضی، نشان دادند که دانش‌آموزان ارزش اشتباه‌کردن را در فرایند یادگیری درک می‌کنند و بین ترس دانش‌آموزان از اشتباه‌کردن و رویکردهای عاطفی و شناختی معلمان نسبت به اشتباهات روابط معناداری وجود دارد. در پژوهشی دیگر، دونالدسون[9] و همکاران (۲۰۲۶)، با بررسی نحوه واکنش کودکان به اشتباهات در جریان آموزش کلاسی، بر اهمیت توجه به دیدگاه خود کودکان نسبت به اشتباهات و نقش بازخورد مناسب و هنجارهای تعیین‌شده توسط معلم در شکل‌گیری این تجربه تأکید کردند. در ایران نیز، بابائی و ازغ (۱۴۰۳)، در پژوهشی با هدف شناسایی نگرش معلمان به اشتباه و اشتباه‌کردن در فرایند یادگیری و بهبود فرهنگ مواجهه با آن در رویارویی با دانش‌آموزان دوره ابتدایی، نشان دادند که نگرش و تصور معلمان نسبت به اشتباه و اشتباه‌کردن چندان مطلوب نیست و آنان به‌ندرت اشتباه را بخشی طبیعی از فرایند یادگیری می‌دانند. همچنین، نتایج بر اهمیت ایجاد فضای حمایتگر و آموزش معلمان برای بهبود فرهنگ مواجهه با اشتباه‌کردن تأکید داشت. از سوی دیگر، حمیدی‌زاده و خسروبیگی (۱۴۰۵)، در بررسی تجربهٔ زیستهٔ دانش‌آموزان ابتدایی از لحظات اشتباه در فرایند یادگیری، نشان دادند که تجربه اشتباه می‌تواند با احساساتی مانند شرم، تحقیر، اضطراب، احساس طردشدگی، ناامیدی و خودسرزنش‌گری همراه باشد؛ بااین‌حال، در بستری امن و همدلانه، همین تجربه می‌تواند به رشد شناختی، تقویت انگیزش، یادگیری عاطفی–اجتماعی و افزایش خودآگاهی منجر شود.

درمجموع، پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که اشتباه و نحوه مواجهه با آن از جنبه‌های مختلف شناختی، هیجانی و تربیتی موردتوجه قرار گرفته است و برخی پژوهش‌ها نیز کوشیده‌اند تجربه

1. Steuer
2. Leighton
3. Kafer
4. Sumantri
5. Learning From Errors (LFE)
6. DeCarlo & Cohen
7. Mistake Literacy
8. Altaylar & Yılmaz
9. Donaldson

خود دانش‌آموزان از اشتباه و یادگیری از آن را بررسی کنند. بااین‌حال، تجربه اشتباه‌کردن با تجربه ترس از اشتباه‌کردن یکسان نیست. در تجربه اشتباه، دانش‌آموز با رویدادی مواجه است که رخ داده درحالی‌که ترس از اشتباه می‌تواند پیش از وقوع اشتباه و صرفاً در مواجهه با امکان آن شکل گیرد. در واقع، در حالت نخست، اشتباه به‌عنوان رویدادی واقعی در کانون تجربه قرار دارد، اما در حالت دوم، حتی بدون وقوع اشتباه، احتمال رخ‌دادن آن می‌تواند منشأ ترس و نگرانی برای دانش‌آموز باشد. از این‌رو، توجه به ترس از اشتباه‌کردن می‌تواند ابعاد متفاوتی از وضعیت دانش‌آموزان در موقعیت‌های کلاسی را آشکار سازد که در مطالعات متمرکز بر تجربه اشتباه‌کردن کمتر به‌طور مستقیم موردتوجه قرار گرفته است. به ویژه اینکه هنوز به‌اندازه کافی روشن نیست که دانش‌آموزان ابتدایی این ترس را در چه موقعیت‌هایی تجربه می‌کنند، آن را چگونه ادراک و معناکرده و این تجربه در بستر روابط و تعاملات کلاسی چگونه شکل می‌گیرد.

بنابراین، مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که ترس از اشتباه در کلاس درس چگونه توسط دانش‌آموزان ابتدایی تجربه می‌شود و آنان این تجربه را چگونه معنا می‌کنند. پرداختن به این مسئله از منظر خود دانش‌آموزان می‌تواند به شناخت دقیق‌تر این پدیده در بافت واقعی کلاس درس کمک کند. بر همین مبنا، هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی تجربه زیسته دانش‌آموزان ابتدایی درباره ترس از اشتباه‌کردن در موقعیت‌های کلاسی و فهم معنایی است که به این تجربه می‌دهند.

روش

پارادایم این پژوهش کیفی بوده و به روش پدیدارشناسی[1] انجام شده است. پدیدار شناسی یک رویکرد کیفی است که به مطالعه تجارب زیسته افراد می‌پردازد و هدف آن فهم عمیق معنای تجربه از دیدگاه مشارکت‌کنندگان است (گیل[2]، ۲۰۲۰). با توجه به اینکه پژوهش حاضر به واکاوی تجربه زیسته دانش‌آموزان درباره ترس از اشتباه‌کردن در کلاس و چگونگی ادراک، احساس و معنادادن آنان به این تجربه می‌پردازد، روش پدیدارشناسی برای این پژوهش مناسب تشخیص داده شد.

جامعه پژوهش شامل دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان آبیک، استان قزوین در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ بود. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند مبتنی بر ملاک و با توجه به معیارهایی چون داشتن تجربه ترس از اشتباه‌کردن در موقعیت‌های کلاسی، توانایی بیان و توصیف تجارب و احساسات خود و تمایل دانش‌آموز برای مشارکت در پژوهش انجام شد. مشارکت‌کنندگان از طریق مدرسه محل خدمت پژوهشگر شناسایی شدند؛ بدین‌صورت که پس از برقراری ارتباط با آنان و ارائه توضیحات لازم درباره هدف و نحوه انجام پژوهش، دانش‌آموزانی که تمایل به مشارکت داشتند، وارد مطالعه شدند. درنهایت، ۱۰ دانش‌آموز در پژوهش شرکت نمودند که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آن‌ها در جدول (۱) بیان شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در پژوهش

کد مشارکت‌کننده	جنسیت	سن	پایه تحصیلی
د۱	دختر	۱۱	پنجم
د۲	دختر	۱۱	پنجم
د۳	دختر	۱۱	پنجم
د۴	دختر	۱۱	پنجم
د۵	دختر	۱۲	پنجم
د۶	دختر	۱۲	پنجم
د۷	دختر	۱۲	ششم
د۸	دختر	۱۳	ششم
د۹	دختر	۱۲	ششم
د۱۰	دختر	۱۲	ششم

ازآنجاکه تمامی مشارکت‌کنندگان از دانش‌آموزان مدرسه محل خدمت پژوهشگر بودند، این رابطه در فرایند پژوهش به‌عنوان یکی از ملاحظات پژوهشی در نظر گرفته شد؛ زیرا ممکن بود بر نحوه بیان تجربه‌ها و پاسخ‌های دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد. از این‌رو، تلاش شد شرایط مصاحبه به‌گونه‌ای فراهم شود که دانش‌آموزان بتوانند تجارب خود را با احساس راحتی بیشتری و بدون احساس الزام به مشارکت بیان نمایند. به همین‌منظور، پیش از آغاز مصاحبه، فایل راهنمایی در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت که در آن هدف پژوهش، نحوه پاسخگویی به پرسش‌ها، تأکید بر بیان تجارب واقعی و شخصی، نبود پاسخ درست یا نادرست و محرمانه‌ماندن اطلاعات و پاسخ‌ها با بیانی ساده و مناسب، توضیح داده شده بود. ارائه این توضیحات با هدف فراهم‌کردن شرایطی مناسب برای بیان آزادانه تجارب و کاهش نگرانی دانش‌آموزان از نحوه ارزیابی پاسخ‌های آنان انجام شد. همچنین، ازآنجاکه ارتباطات در بستر رسمی آموزشی و از طریق حساب‌های کاربری دانش‌آموزان در پیام‌رسان شاد انجام می‌شد، امکان آگاهی و

1. Phenomenology
2. Gill

نظارت والدین بر این فرایند وجود داشت و دانش‌آموزان نیز درصورت تمایل، موافقت خود را برای شرکت در پژوهش اعلام می‌کردند. به‌منظور حفظ محرمانگی اطلاعات نیز، هیچ‌گونه نام یا مشخصات هویتی دانش‌آموزان در گزارش پژوهش ذکر نشد و برای معرفی مشارکت‌کنندگان از کدهای «د۱» تا «د۱۰» استفاده شد.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بود. راهنمای مصاحبه شامل ۸ سؤال باز بود که با توجه به هدف پژوهش و مرور ادبیات مربوطه طراحی شد و گردآوری داده‌ها در تابستان ۱۴۰۵ صورت گرفت. با توجه به ملاحظات مربوط به فضای امن روانی دانش‌آموزان و نیاز آنان به زمان برای روایت‌گری، مصاحبه‌ها به‌صورت ناهمگام و از طریق تبادل فایل‌های صوتی در پیام‌رسان شاد انجام شد. بدین‌منظور، راهنمای مصاحبه شامل ۸ سؤال باز در اختیار هریک از دانش‌آموزان قرار گرفت و آنان پاسخ‌های خود را از طریق فایل صوتی ارسال کردند. در اغلب موارد، فرایند گردآوری پاسخ‌ها با دریافت پاسخ به سؤالات اصلی پایان می‌یافت و در برخی مواردی که پاسخ‌ها نیازمند روشن‌ترشدن یا تعمیق بیشتر بود، پرسش‌های پیگیر از طریق پیام‌های صوتی مطرح و پاسخ‌های تکمیلی دریافت می‌شد. بنابراین، تعداد دفعات تبادل فایل‌های صوتی متناسب با میزان نیاز به توضیح و تعمیق پاسخ‌های هر مشارکت‌کننده، متفاوت بود. این شیوه به دانش‌آموزان امکان می‌داد در زمان و مکان مورد انتخاب خویش و با آرامش بیشتری به بیان تجربه‌هایشان بپردازند. تمامی فایل‌های صوتی پس از دریافت، به‌طور کامل و کلمه به کلمه توسط پژوهشگر پیاده‌سازی شدند و متون حاصل مبنای تحلیل داده‌ها قرار گرفتند.

فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها نیز به‌صورت هم‌زمان انجام شد و تا زمانی ادامه یافت که در مصاحبه‌های جدید، مضمون یا مفهوم تازه‌ای شناسایی نشد. در مصاحبه‌های پایانی، پاسخ‌ها عمدتاً تکرار مضامین و اطلاعات مطرح‌شده در مصاحبه‌های قبلی بود و داده جدیدی به یافته‌های پژوهش اضافه نمی‌کرد؛ بنابراین، پس از انجام ۱۰ مصاحبه، اشباع داده‌ها حاصل شد.

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها براساس هفت مرحله روش کلایزی[1] (توکل و همکاران، ۲۰۲۶) انجام شد. در مرحله نخست، متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی به‌طور دقیق و مکرر مطالعه شد تا درک کلی از محتوای تجربه مشارکت‌کنندگان حاصل شود. در مرحله دوم، عبارات و گزاره‌های کلیدی و مرتبط با پدیده شناسایی و استخراج شدند. در مرحله سوم، معانی مرتبط با این گزاره‌ها تدوین شد. در مرحله چهارم، این معانی براساس شباهت و ارتباط مفهومی در قالب خوشه‌های موضوعی و مضامین سازماندهی شدند. در مرحله پنجم، توصیف جامع و کاملی از پدیده مورد مطالعه ارائه شد و در مرحله ششم، ساختار اساسی پدیده از این توصیف استخراج گردید. در مرحله آخر نیز توصیف نهایی برای مشارکت‌کنندگان ارائه و بازخورد آنان دریافت شد.

در فرایند تحلیل داده‌ها نیز، پژوهشگر به‌عنوان تحلیلگر اصلی، مسئولیت پیاده‌سازی، استخراج کدها، شکل‌دهی مضامین و تدوین تفسیر نهایی داده‌ها را برعهده داشت. با توجه به ماهیت پدیدارشناختی پژوهش و نقش فعال پژوهشگر در فرایند تحلیل، تلاش شد برداشت‌ها و پیش‌فرض‌های اولیه وی از طریق بازگشت مکرر به متن مصاحبه‌ها و مقایسه مضامین با اظهارات اصلی مشارکت‌کنندگان مدیریت و کنترل شود. همچنین، به‌منظور افزایش اعتبار یافته‌ها، متن مصاحبه‌ها و فرایند استخراج و دسته‌بندی کدها توسط پژوهشگر چندین بار مورد بازبینی قرار گرفت و در موارد لازم، مضامین با مراجعه مجدد به متن اصلی مصاحبه‌ها اصلاح و تکمیل شدند. همچنین جهت تحقق انطباق تفسیرها با تجربه واقعی مشارکت‌کنندگان، خلاصه‌ای از برداشت‌ها و مضامین اصلی به زبان ساده و متناسب با درک دانش‌آموزان در گفتگوهای تکمیلی با آنان در میان گذاشته شد تا میزان نزدیکی تفسیرهای پژوهشگر با تجربه واقعی آنان بررسی گردد و برای افزایش تأییدپذیری و قابلیت پیگیری فرایند تحلیل، مسیر تحلیل داده‌ها همراه با نقل‌قول‌های مستقیم از مصاحبه‌ها در بخش یافته‌ها مستند شد.

یافته‌ها

تحلیل تجارب زیسته دانش‌آموزان درباره پدیده ترس از اشتباه‌کردن در کلاس درس به شناسایی ۷ مضمون اصلی و ۲۸ مضمون فرعی منجر شد. مضامین اصلی و فرعی استخراج‌شده همراه با نمونه‌هایی از نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان، در جدول (۲) ارائه شده‌اند.

1. Colaizzi’s Method

جدول ۲. مضامین استخراج شده از مصاحبه‌های دانش‌آموزان

مضمون اصلی	مضامین فرعی	نقل‌قول‌ها
تجربه جسمانی و هیجانی شدید	یخ‌کردن/ عرق‌کردن دست‌ها	«وقتی احساس می‌کنم که ممکن است اشتباه کنم همان لحظه دست‌هایم یخ می‌کند» (د۱)، «آن لحظه بیشتر دست‌هایم عرق می‌کند» (د۷)
	بالارفتن درجه حرارت بدن	«معمولاً در این شرایط بدنم داغ می‌شود» (د۵)، «حس می‌کردم صورتم داغ شده، گرمم شده بود» (د۹)
	تندشدن ضربان قلب	«گاهی ضربان قلبم تند می‌شود» (د۷)، «ضربان قلبم را می‌شنیدم که در گوشم می‌زد» (د۱۰)
	سنگینی و درد در بدن	«انگار پشت سرم درد گرفته بود و سرم سنگین شده بود» (د۸)، «بدنم سنگین شده بود و دلم می‌خواست آب بشوم و بروم زیر زمین» (د۱۰)
	قفل‌شدن ذهن	«همون لحظه انگار ذهنم قفل شد، دستم را نیمه‌کاره بردم بالا و دوباره آوردم پایین» (د۱۰)، «یکم حرف زدن برایم سخت شده بود، انگار نمی‌توانستم خوب آن چیزی که در ذهنم هست را بیان کنم» (د۸)
قضاوت اجتماعی	ترس از خندیدن و مسخره‌شدن توسط سایر هم‌کلاسی‌ها	«در ذهنم فکر می‌کردم همه کلاس دارند من را مسخره می‌کنند» (د۴)، «در ذهنم می‌گفتم اگه جواب اشتباه باشد شاید بعضی از بچه‌ها به من بخندند!» (د۲)
	برچسب‌گذاری	«ممکن است هم‌کلاسی‌هایم بگویند: وای، دیدی! شاگرد زرنگ کلاس اشتباه کرد!» (د۷)، «اینکه فکر کنی دیگران ممکن است به تو بخندند یا بگویند تو دانش‌آموز تنبلی هستی و درس‌ها را دیر می‌گیری» (د۳)
	طرد شدن/ جدی گرفته نشدن	«از طرفی نگرانم که دوستانم دیگر من را قبول نکنند و نخواهند با من دوست بمانند» (د۵)، «آن لحظه با خودم فکر می‌کنم هم‌کلاسی‌هایم حس بی‌اعتمادی به من پیدا خواهند کرد و دیگر حرف‌های من را خیلی جدی نمی‌گیرند» (د۶)
	خود تحقیری ذهنی	«درباره خودم فکر کردم که واقعاً یک آدم بی‌عرضه هستم که همش اشتباه می‌کند» (د۹)، «بچه‌ها ممکن است با خودشان بگویند که این همه درس می‌خواند ولی باز هم اشتباه می‌کند!» (د۸)
	سرزنش	«معلمم گفت از تو بعید است اشتباه کنی!» (د۷)، «ترسیدم معلمم به من بگوید مگر این سوال را چند بار توضیح ندادم! چرا باز اشتباه حلش کردی!» (د۴)
	قضاوت تحصیلی	«می‌ترسم معلمم فکر کند درس نمی‌خوانم» (د۴)، «معلمم به من می‌گوید اگه تو اشتباه کنی، پس بقیه چی!» (د۷)، «معلم‌هایی که فقط با یه اشتباه درباره‌ات قضاوت می‌کنند یا نمره می‌دهند، در آن کلاس‌ها آدم همه وجودش ترس و اضطراب از اشتباه‌کردن می‌شود» (د۶)
نقش معلم	ترحم	«یه لبخند می‌زند که انگار می‌گوید اشکال ندارد، ولی همان لبخند را هم دوست ندارم» (د۱۰)
	فرصت جبران/ حمایت	«معلم‌هایی که بهم فرصت جبران می‌دادند یا مجدد یاد می‌دادند، در آن کلاس‌ها خیلی حس بهتری داشتم و ذهنم آرام بود» (د۶)، «معلمم خیلی مهربان و صبور است و اگر اشتباه کنم با صبر و حوصله جواب درست را به من یاد می‌دهد» (د۳)
	واکنش و برداشت معلم	«حس می‌کنم اگر اشتباه کنم معلمم را ناراحت می‌کنم» (د۴)، «یک چیزی در دلم می‌گوید معلمم ازم ناامید می‌شود» (د۸)
	پای تخته	«انگار پای تخته اشتباه بزرگ‌تر دیده می‌شود» (د۱۰)، «می‌ترسم پای تخته اشتباه کنم و معلم یکی دیگر را برای حل سؤال جایگزین من کند» (د۸)
موقعیت‌های آشکارکننده عملکرد	نگاه جمع	«وقتی همه نگاهت می‌کنند، تمرکزکردن سخت می‌شود» (د۳)، «حس می‌کنم رفته‌ام زیر ذره‌بین» (د۹)
	پرسش شفاهی	«موقع پرسش شفاهی از اشتباه‌کردن خیلی می‌ترسم» (د۴)، «وقتی معلم سؤال می‌پرسد و همه بچه‌ها ساکت به من نگاه می‌کنند؛ به‌خصوص اگه روی نمرم تأثیر زیاد داشته باشد بیشتر از اشتباه‌کردن می‌ترسم» (د۸)
	ارائه کلاسی	«وقتی باید جلوی بقیه در کلاس جواب بدهم یا چیزی را ارائه کنم بیشتر از اشتباه‌کردن می‌ترسم» (د۵)
معنای چندلایه اشتباه	تلاش ناکافی/ نیاز به تلاش بیشتر	«یعنی اینکه یکم کوتاهی کردم و به‌اندازه کافی تلاش و تمرین نکردم» (د۷)، «حالا ممکن است فقط تلاش کم بوده باشه یا کافی نبوده باشه، اشتباه بنظرم یه تلاش هست، یه تلاش دوباره» (د۴)، «یعنی من به‌اندازه کافی تمرین و مطالعه نداشتم ولی با تلاش می‌توانم بهترش کنم» (د۵)
	استرس	«یعنی اینکه آن لحظه به دلایل مختلفی مثل استرس یا نگاه‌های بقیه، با اینکه تلاش کردم ولی نتوانستم کاری را درست، کامل و خوب انجام بدهم» (د۳)
	کنجکاوی	«یعنی آن فرد تلاشش را کرده و از کنجکاویش برای رسیدن به پاسخ درست، دست‌نکشیده و ریسک کرده» (د۸)، «یعنی داشتم سعی می‌کردم بفهمم» (د۱۰)
	فرصت یادگیری	«یعنی اینکه چیزی را درست انجام ندادم ولی می‌توانم ازش یاد بگیرم و دفعه بعد بهتر انجامش بدهم» (د۲)، «به معنی این هست که یک فرصت داده شده که بهتر یاد بگیرم» (د۸)
سکوت و اجتناب	سکوت	«بعضی وقت‌ها جواب سؤال را می‌دانم ولی دستم را بالا نمی‌برم. بیشتر به‌خاطر اینکه که می‌ترسم جوابم اشتباه باشد» (د۲)، «اگر شک داشته باشم که ممکن است اشتباه باشه سکوت می‌کنم تا بعداً خودم را سرزنش نکنم که چرا اشتباه گفتم یا به‌اندازه کافی فکر نکردم» (د۳)
	زمزمه پاسخ	«گاهی هم بارها پیش آمده جوابم درست بوده ولی چون ترسیدم که یوقت اشتباه بگویم، برای خودم آرام سرجایم زمزمه کردم» (د۷)
	واگذاری پاسخ به دیگران	«صبر می‌کنم ببینم یکی دیگر از بچه‌ها چه می‌گوید» (د۲)، «شاید یکی دیگر جواب بدهد آنوقت می‌توانم با جواب خودم مقایسه کنم و به اطمینان برسم» (د۱)
	اجتناب از آمدن پای تخته	«گاهی از معلم می‌خواهم من را پای تخته نبرد» (د۷)
محیط امن	نبودن تمسخر	«چیز خیلی مهم این هست که وقتی یک دانش‌آموز اشتباه می‌کند بقیه مسخره‌اش نکنند و او را درک کنند» (د۱)
	حمایت هم‌کلاسی‌ها	«وقتی دیگری اشتباه می‌کند باید خودمان را جای او بگذاریم و با خودمان فکر کنیم که ممکن است اگر منم جای او بودم همین اشتباه را می‌کردم» (د۱)، «بچه‌ها به من این حس را دارند که می‌خواهند کمک کنند تا اشتباهم را درست کنم» (د۳)

تحلیل تجارب زیسته دانش‌آموزان حاکی از آن بود که ترس از اشتباه‌کردن در کلاس درس، تجربه‌ای تک بعدی نیست، بلکه پدیده‌ای دارای ابعاد و زوایای مختلف است. دانش‌آموزان در مواجهه با احتمال اشتباه، واکنش‌هایی همچون یخ‌کردن و عرق‌کردن دست‌ها، افزایش درجه حرارت بدن، تندشدن ضربان قلب، احساس سنگینی و درد در بدن و قفل شدن ذهن را تجربه می‌کردند. این واکنش‌ها نشان می‌دهد که ترس از اشتباه‌کردن برای برخی دانش‌آموزان صرفاً یک موضوع ذهنی نیست، بلکه به شکل یک تجربه جسمانی و هیجانی نیز در بدن نیز نمود پیدا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که خود انتظار قرارگرفتن در موقعیت پاسخگویی و ترس از ارائه پاسخ نادرست برای برخی دانش‌آموزان به‌اندازه وقوع واقعی اشتباه تنش‌زا بود. این موضوع نشان می‌دهد که تجربه ترس از اشتباه‌کردن می‌تواند از مرحله پیش‌بینی و انتظار آغاز شود و پیش از آشکارشدن عملکرد دانش‌آموز بر وضعیت جسمانی و هیجانی او اثر بگذارد. از سوی دیگر، قفل‌شدن ذهن در روایت دانش‌آموزان نشان می‌داد که این تجربه تنها در سطح واکنش‌های جسمانی باقی نمی‌ماند بلکه می‌تواند با دشواری در دسترسی به پاسخ و کاهش آمادگی ذهنی برای پاسخگویی نیز همراه گردد. بنابراین، در برخی موقعیت‌ها، دانش‌آموز ممکن است پاسخ‌ها را بداند ولی شدت تنشی که تجربه می‌کند مانع از بیان آن شود.

در بعد اجتماعی، تجربه ترس از اشتباه به‌شدت با نگاه و قضاوت دیگران گره خورده است. نگرانی از خندیدن یا مسخره‌شدن توسط همکلاسی‌ها، برچسب‌خوردن، طردشدن یا جدی گرفته‌نشدن و درنهایت شکل‌گیری خودتحقیری ذهنی نشان می‌دهد که معنای اشتباه برای دانش‌آموزان تنها «یک پاسخ غلط» نیست؛ بلکه می‌تواند تهدیدی برای تصویر آنان از خود در جمع کلاس تلقی شود. در این شرایط، اشتباه از یک رخداد مربوط به عملکرد تحصیلی فراتر می‌رود و به بخشی از ارزیابی دانش‌آموز از جایگاه خود در میان دیگران تبدیل می‌شود. به بیانی دیگر، پیامدهای اجتماعی و معنایی پاسخ اشتباه نیز برای وی اهمیت می‌یابند. احتمال اینکه دیگران او را به‌دلیل یک اشتباه، ضعیف یا بی‌دقت تلقی کنند، می‌تواند باعث شود که دانش‌آموز پیش از پاسخگویی، پیامدهای اجتماعی احتمالی آن را در ذهن خود مرور کند. درنتیجه، موقعیت پاسخگویی برای برخی دانش‌آموزان به موقعیتی مبدل می‌گردد که در آن حفظ تصویر مطلوب از خود بر مشارکت فعال غلبه می‌کند.

نقش معلم نیز در شکل‌گیری این تجربه برجسته بود. روایت‌های دانش‌آموزان نشان داد که سرزنش و قضاوت تحصیلی معلم می‌تواند ترس از اشتباه را افزایش دهد درحالی‌که فرصت جبران، حمایت و نوع واکنش و برداشت معلم می‌تواند تجربه اشتباه را از یک موقعیت تهدیدکننده به فرصتی آموزنده تبدیل نماید. در همین راستا، اهمیت واکنش معلم تنها به لحظه وقوع اشتباه محدود نمی‌شود بلکه می‌تواند بر نگرش دانش‌آموز نسبت به موقعیت‌های بعدی نیز اثر بگذارد؛ به‌طوری که تجربه قبلی از واکنش معلم ممکن است در تصمیمات دانش‌آموز برای مشارکت مجدد یا خودداری از پاسخگویی در موقعیت‌های مشابه آتی نقش داشته باشد.

این ترس به‌ویژه در موقعیت‌های آشکارکننده عملکرد که دانش‌آموز در مقابل سایرین قرار می‌گیرد، شدت می‌یابد؛ موقعیت‌هایی مانند رفتن پای تخته، قرارگرفتن درمعرض نگاه هم‌کلاسی‌ها، پرسش شفاهی و ارائه کلاسی. در این موقعیت‌ها، دانش‌آموز نه‌تنها با ترس اشتباه‌کردن بلکه با نمایان‌شدن آن در برابر دیگران روبه‌رو است. از این‌رو، موقعیت‌هایی که در آن‌ها عملکرد دانش‌آموز به‌طور مستقیم در معرض مشاهده و ارزیابی قرار می‌گیرد، می‌توانند احساس آسیب‌پذیری بیشتری ایجاد کنند.

در مقابل، برداشتی که دانش‌آموزان برای خود اشتباه قائل بودند، یکسان نبود. در بخشی از روایت‌ها، اشتباه با تلاش ناکافی یا نیاز به تلاش بیشتر و استرس پیوند داشت اما در بخشی دیگر، اشتباه با کنجکاوی و فرصتی برای یادگیری همراه بود. این دوگانگی در معنایی که دانش‌آموزان به اشتباه می‌دهند، نشان می‌دهد که تجربه یک موقعیت یکسان می‌تواند برای دانش‌آموزان مختلف معنایی متفاوت داشته باشد. برای یک دانش‌آموز، پاسخ نادرست ممکن است نشانه شکست یا ضعف تلقی شود درحالی‌که دانش‌آموز دیگری ممکن است همان پاسخ نادرست را نقطه آغازی برای فهم و یادگیری عمیق‌تر بداند. بنابراین، ترس از اشتباه را نمی‌توان صرفاً براساس وقوع یا عدم وقوع اشتباه توضیح داد بلکه معنایی که دانش‌آموز برای اشتباه قائل می‌شود نیز بخشی از تجربه او را شکل می‌دهد.

بااین‌حال، زمانی‌که ترس از اشتباه بر دانش‌آموز غالب می‌گشت، به سکوت و اجتناب منجر می‌شد. سکوت، زمزمه‌کردن پاسخ، واگذارکردن پاسخ به دیگران و اجتناب از رفتن پای تخته، راه‌حل‌هایی بودند که دانش‌آموزان برای گریز از موقعیت تهدیدکننده اتخاذ می‌کردند. بنابراین، ترس از اشتباه تنها یک احساس درونی باقی نمی‌ماند، بلکه می‌تواند به کاهش مشارکت و حضور فعال دانش‌آموز در فرایند یاددهی–یادگیری منجر شود. بنابراین، سکوت و اجتناب در تجربه دانش‌آموزان صرفاً نشانه بی‌علاقگی یا نداشتن پاسخ نیست بلکه در برخی موارد می‌تواند واکنشی برای صیانت از خود در برابر یک موقعیت ادراک‌شده به‌عنوان تهدید باشد.

از سویی دیگر، روایت دانش‌آموزان از محیط امن، بعد دیگری را نمایان می‌ساخت. نبود تمسخر و وجود جوّی حمایتی از جانب

همکلاسی‌ها شرایطی را فراهم می‌آورد که در آن دانش‌آموز می‌توانست با آرامش بیشتری پاسخ دهد و احتمال اشتباه را بپذیرد. در چنین فضایی، به اشتباه نه به‌عنوان یک تهدید بلکه به‌عنوان بخشی طبیعی از فرایند یادگیری نگریسته می‌شود.

درمجموع، روایت‌های دانش‌آموزان نشان داد که تجربه ترس از اشتباه در یک فرایند پیوسته میان احساس، ادراک و رفتار شکل می‌گیرد. دانش‌آموز ممکن است ابتدا اشتباه‌کردن را به‌صورت یک تهدید ادراک کند، سپس واکنش‌های جسمانی و هیجانی را تجربه نماید و در ادامه، برای کاهش این تهدید به سکوت یا اجتناب روی آورد. در مقابل، هنگامی‌که معلم، هم‌کلاسی‌ها و جو کلاس امکان پذیرش اشتباه و حمایت از دانش‌آموز را فراهم می‌نمایند، همین موقعیت می‌تواند معنایی متفاوت پیدا کند و به مشارکت و یادگیری منجر شود. بنابراین، تجربه ترس از اشتباه در روایت دانش‌آموزان، تجربه‌ای پویا و وابسته به شرایط و زمینه‌ای بود که اشتباه در آن رخ می‌داد.

نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تجربه زیسته دانش‌آموزان ابتدایی درباره ترس از اشتباه‌کردن در کلاس درس انجام شد. یافته‌های این پژوهش نشان دادند که ترس از اشتباه‌کردن در کلاس درس، تجربه‌ای چندبعدی و دارای معنایی چندلایه است که فراتر از ابعاد جسمانی و هیجانی، تحت‌تأثیر قضاوت اجتماعی، واکنش و نقش معلم و موقعیت‌های آشکارکننده عملکرد دانش‌آموز شکل می‌گیرد. این ترس در برخی دانش‌آموزان به سکوت و اجتناب از مشارکت منجر می‌شود، درحالی‌که وجود محیطی امن و حمایتگر می‌تواند زمینه پذیرش اشتباه و نگریستن به آن به‌عنوان فرصتی برای یادگیری را فراهم نماید.

یافته‌های مربوط به قضاوت اجتماعی با یافته‌های حمیدی‌زاده و خسرویبگی (۱۴۰۵) همخوان است؛ آنان نیز تجربه اشتباه را با هیجان‌هایی مانند اضطراب، شرم، تحقیر، طردشدگی، ناامیدی و خودسرزنشگری همراه دانستند. در پژوهش حاضر، این تجربه با ترس از تمسخر، برچسب‌گذاری، طردشدن و جدی گرفته نشدن و خودتحقیری ذهنی در روایت دانش‌آموزان آشکار شد. همچنین، یافته مربوط به نقش و واکنش معلم با نتایج کیفر و همکاران (۲۰۱۹)، سومانتری و همکاران (۲۰۲۵) و آلتایلار و ییلماز (۲۰۲۵) هم‌راستا بود. این پژوهش‌ها نیز بر اهمیت نگرش معلم، نحوه واکنش وی به اشتباه و پیامدهای ادراک‌شده آن برای دانش‌آموز تأکید کرده‌اند.

از سوی دیگر، معنای اشتباه به‌عنوان فرصتی برای یادگیری با یافته‌های لیتون و همکاران (۲۰۱۸) و دی‌کارلو و کوهن (۲۰۲۵) هماهنگ است که بر نگرش مثبت نسبت به اشتباه و ظرفیت یادگیری از آن تأکید دارند. یافته‌های پژوهش حاضر همچنین با نتایج دونالدسون و همکاران (۲۰۲۶) درباره اهمیت دیدگاه خود کودکان نسبت به اشتباهات و شرایطی که در آن می‌تواند اشتباه خود را ببینند، اصلاح کند و از آن بیاموزد، همسو است.

با وجود این همسویی‌ها، پژوهش حاضر از این جهت با مطالعات پیشین تمایز دارد که به‌جای تمرکز صرف بر خود اشتباه، نگرش نسبت به آن یا ظرفیت یادگیری از اشتباه، به ترس از اشتباه‌کردن در کلاس درس و معنایی که دانش‌آموزان به این تجربه می‌دهند، پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد ترس از اشتباه می‌تواند پیش از وقوع اشتباه و در مواجهه با امکان آن شکل گیرد و تحت‌تأثیر قضاوت اجتماعی، واکنش معلم و موقعیت‌های آشکارکننده عملکرد قرار گیرد. از طرفی نیز، وجه نوآورانه آن در بررسی این تجربه از دید دانش‌آموزان ابتدایی و در بافت آموزشی ایران است؛ به‌گونه‌ای که ترس از اشتباه نه صرفاً به‌عنوان پیامدی از خود اشتباه، بلکه به‌عنوان تجربه‌ای مستقل و معنادار در بستر تعاملات کلاسی موردتوجه قرار گرفته است. از این منظر، پژوهش حاضر تصویری از چگونگی تجربه و معنایابی این پدیده در یک بافت آموزشی کمتر بررسی‌شده ارائه می‌کند.

با وجود دستاوردهای پژوهش حاضر، نتایج آن باید با توجه به برخی محدودیت‌ها تفسیر شود. این پژوهش تنها بر تجربه دانش‌آموزان دختر پایه‌های پنجم و ششم ابتدایی متمرکز بوده است؛ بنابراین، تعمیم نتایج به سایر دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی و همچنین دانش‌آموزان پسر باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین، یافته‌های این پژوهش صرفاً به روایتی تک‌جانبه از تجارب دانش‌آموزان معطوف بوده و تجربه معلمان و مداخلات آن‌ها در جهت کاهش این پدیده در کلاس در این پژوهش بررسی نشده است.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی اثربخشی برنامه‌های آموزشی و مداخلات کلاسی با هدف کاهش ترس از اشتباه و افزایش نگرش مثبت نسبت به آن بررسی شود. همچنین، انجام پژوهش در دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی مختلف، با مشارکت دانش‌آموزان دختر و پسر و در بافت‌های آموزشی متنوع می‌تواند به شناسایی تفاوت‌های احتمالی در تجربه ترس از اشتباه کمک کند. بررسی نقش متغیرهایی مانند حمایت همسالان، شیوه واکنش معلم و... نیز می‌تواند در پژوهش‌های آینده موردتوجه قرار گیرد.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های این پژوهش به‌دلیل رعایت اصول محرمانگی و حفظ حریم خصوصی مشارکت‌کنندگان به‌صورت عمومی در دسترس نیست، اما در چارچوب ملاحظات اخلاقی و با درخواست معقول، امکان بررسی آن‌ها فراهم خواهد بود.

تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌دارد که هیچ‌گونه تعارض منافعی در ارتباط با این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت های نویسندگان

تمامی مراحل انجام و نگارش این پژوهش توسط نویسنده انجام شده است.

تأمین مالی

این پژوهش بدون دریافت هرگونه حمایت یا تأمین مالی انجام شده است.

شفافیت

تمامی مراحل پژوهش و گزارش یافته‌ها با صداقت و شفافیت انجام شده و هیچ‌گونه داده، یافته یا اطلاعات مرتبط با پژوهش به‌طور عمدی حذف، تحریف یا دستکاری نشده است.

References

Altaylar, B., & Yılmaz, S. (2025). Mistake Handling Learning in Mathematics. *International Journal of Global Education (IJGE)*, *10*(1), 11-19.

Babaei, M., & Azagh, H. (2024). Determining the Teachers' Attitude towards "Mistake" and "Making Mistakes" in the Learning Process and Improving the Culture facing it (case study: elementary school students). *New Educational Approaches*, *19(1)*, 99-128. [In Persian]. https://doi.org/10.22108/nea.2024.141691.2038

Darabi Emarati, A., Shahmohammadi, A., & Faryadras, L. (2025). A Structural Model of the Hidden Curriculum and Academic Interest with the Mediating Roles of Academic Adjustment and Academic Resilience. *Education and Exploration in Learning, Behavior and Cognition. 1(1)*, 53-71. [In Persian]. https://doi.org/10.30473/elc.2026.77244.1003

DeCarlo, M. J. T., & Cohen, Z. (2025). Learning by mistake: Constructing the conceptual framework of mistake literacy. *RMLE Online, 48*(7), 1-19. https://doi.org/10.1080/19404476.2025.2542672

Donaldson, M., Sun, X., Chimgee, A. E., & Hwang, M. (2026). How do young children respond to mistakes?. *Journal of Research in Childhood Education*, *40*(3), 563-573. https://doi.org/10.1080/02568543.2025.2465582

Dresel, M., Daumiller, M., Spear, J., Janke, S., Dickhäuser, O., & Steuer, G. (2025). Learning from errors in mathematics classrooms: Development over 2 years in dependence of perceived error climate. *British Journal of Educational Psychology*, *95*(1), 180-196. https://doi.org/10.1111/bjep.12697

Fadillah, S. N., Hamid, A. I. R., & Halim, A. (2025). The influence of fear of making mistakes on students' self-confidence and engagement in English classroom presentations at MTs Muhammadiyah 1 Samarinda. *Journal of English Language Learning*, *9*(1), 65-69.

Gill, M. J. (2020). Phenomenology as qualitative methodology. *Qualitative analysis: Eight approaches*, *5(1)*, 73-94.

Hamidizadeh, K., & Khosrobegi, H. (2026). Learning from mistakes: A phenomenological study of the lived experience of elementary school students. *Research and Innovation in Primary Education*, *8(2)*, 121-138. [In Persian]. https://doi.org/10.48310/reek.2026.5030

Jadidi Mohammadabadi, A., & Ferdosi, A. (2025). Investigating the Causal Model of Emotion Regulation Strategies with Emotional Alexithymia and The Mediating Role of Perfectionism in Female Master's Students. *Education and Exploration in Learning, Behavior and Cognition, 1(1)*, 9-26. [In Persian]. https://doi.org/10.30473/elc.2026.77206.1002

Käfer, J., Kuger, S., Klieme, E., & Kunter, M. (2019). The significance of dealing with mistakes for student achievement and motivation: results of doubly latent multilevel analyses. *European journal of psychology of education*, *34*(4), 731-753. http://dx.doi.org/10.1007/s10212-018-0408-7

Leighton, J. P., Tang, W., & Guo, Q. (2018). Undergraduate students' attitudes towards mistakes in learning and academic achievement. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, *43*(4), 612-628. https://doi.org/10.1080/02602938.2017.1387230

Mera, M. E. C., & Dos Santos, J. C. (2025). Fear of making mistakes and its effect on pre-service English teachers' oral communication skills. *Arandu UTIC*, *12*(1), 1329-1345. https://doi.org/10.69639/arandu.v12i1.679

Narciss, S., & Alemdag, E. (2025). Learning from errors and failure in educational contexts: New insights and future directions for research and practice. *British Journal of Educational Psychology*, *95*(1), 197-218. https://doi.org/10.1111/bjep.12716

Pan, S. C., Sana, F., Samani, J., Cooke, J., & Kim, J. A. (2020). Learning from errors: Students' and instructors' practices, attitudes, and beliefs. *Memory*, *28*(9), 1105-1122. https://doi.org/10.1080/09658211.2020.1815790

Qiang, X., Ma, X., & Li, T. (2025). Learning from errors: Deliberate errors enhance learning. *Contemporary Educational Psychology, 82*, 102379. https://doi.org/10.1016/j.cedpsych.2025.102379

Soncini, A., Matteucci, M. C., & Butera, F. (2021). Error handling in the classroom: an experimental study of teachers' strategies to foster positive error climate. *European Journal of Psychology of Education*, *36*(3), 719-738. https://doi.org/10.1007/s10212-020-00494-1

Steuer, G., Grecu, A. L., & Mori, J. (2025). Error climate and alienation from teachers: A longitudinal analysis in primary school. *British Journal of Educational Psychology*, *95*(1), 41-54. https://doi.org/10.1111/bjep.12659

Sumantri, Y. K., Fauzi, W. I., & Santosa, A. B. (2025). Reframing mistakes as learning opportunities: Implementing "learning from error" in history classrooms. *Jurnal Teori dan Praksis Pembelajaran IPS*, *10*(2), 115-135. https://doi.org/10.17977/um022v10i22025

Tavakol, M., Sandars, J., & Sharpe, C. C. (2026). How to Analyse Descriptive Phenomenological Data in Health Professions Education. *The Clinical Teacher*, *23*(3), e70441. https://doi.org/10.1111/tct.70441